

بررسی حس تعلق در پهنه‌های تاریخی با تأکید بر متغیرهایی کالبدی و محیطی (مطالعه موردی: پهنه‌های ارگ-گنجعلی‌خان، مظفری و قلعه محمود شهر کرمان)

حمید محمدی - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
میترا قربی* - دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۸

چکیده

امروزه مفهوم مکان و حس مکان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی شهرسازی معاصر است. در گذشته شهرها از توانایی بالایی برای برقراری تعامل بین انسان و فضا برخوردار بودند؛ اما امروزه در بیشتر بافت‌های تاریخی با وجود پتانسیل‌های بسیار، کیفیت نامطلوب محیطی و کالبدی، سبب ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی بین ساکنین می‌شود که این امر زمینه‌ساز کاهش ارتباطات پایدار، عدم مشارکت، کاهش حس تعلق و زوال تدریجی این بافت‌ها می‌گردد. این مسئله، نگارندگان را بر آن داشت تا به تبیین ارتباط بین معیارهای کیفیت محیط (محیطی و کالبدی) بر حس تعلق در پهنه‌های تاریخی شهر کرمان بپردازند. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و علی تطبیقی می‌باشد. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده و اطلاعات در نمونه‌ای به حجم ۳۷۴ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای کالبدی با حس تعلق و رابطه معکوس و معناداری بین متغیرهای محیطی و حس تعلق وجود دارد. در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و حس تعلق در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان و مظفری بیشترین تأثیر را بر حس تعلق مؤلفه بناها و فضاها و در پهنه قلعه محمود بیشترین تأثیر را مؤلفه دسترسی، داشته‌است. در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و حس تعلق در تمام پهنه‌ها آلودگی‌های صوتی بیشترین تأثیر را بر حس تعلق داشته‌است. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهد که با بهبود وضعیت متغیرهای محیطی و متغیرهای کالبدی، وضعیت حس تعلق در پهنه‌های مورد بررسی نیز بهبود می‌یابد. با این حال تأثیر متغیرهای محیطی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای کالبدی است.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق، متغیرهای کالبدی و محیطی، رضایتمندی، معادلات ساختاری، پهنه‌های تاریخی کرمان

نحوه استناد به مقاله:

محمدی، حمید و قربی، میترا. (۱۳۹۹). بررسی حس تعلق در پهنه‌های تاریخی با تأکید بر متغیرهایی کالبدی و محیطی (مطالعه موردی: پهنه‌های ارگ-گنجعلی‌خان، مظفری و قلعه محمود شهر کرمان). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۲)، ۳۳۳-۳۵۲.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672849.html

مقدمه

رشد سریع شهرها و توسعه کالبدی آن‌ها، موجب بروز بحران‌های مختلف در زندگی و کاهش کیفیت زندگی در محیط‌های شهری شده است. در پی این امر، لزوم توجه به مفهوم کیفیت و ارتقاء آن در محیط‌های شهری در کنار توجه به مسائل کمی، بیشتر احساس می‌شود. این اهمیت را شاید بتوان معلول ایجاد تغییرات بنیادی در الگوی فکری شهرسازی جهان در دهه‌های گذشته از یک سو و ارائه و گسترش تفکرات معطوف به کیفیت از سوی دیگر دانست (Lashkari et al, 2017: 448). با نگاهی دقیق به جریان معماری و شهرسازی حاکم بر فرهنگ‌ها و جغرافیاهای متفاوت، تلاش برای ساخت شهرها و فضاهای سکونت، ساماندهی آن‌ها منطبق با نیازهای ساکنان و کاربران قابل مشاهده است. رضایتمندی سکونت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی پیچیده به شمار می‌آید که مفهوم آن از مسکن و محیط اطراف آن پدیدار شده و از جمله مباحثی است که می‌تواند به‌عنوان شاخصه‌ای در جهت تحلیل، مقایسه و ارزش‌گذاری توانش پاسخ محیط مسکونی به نیازهای ساکنین به کار گرفته شود (Shabani, 2016: 52). یکی از معانی مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری و انسانی، حس تعلق به مکان است (Forozandeh Javan & Matlabi, 2011: 28). حس تعلق به مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود (Ghashghae et al, 2016: 262). امروزه مفهوم مکان و حس مکان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی شهرسازی معاصر است (Ayashm & Mirgholami, 2016: 69).

در گذشته شهرها از توانایی بالایی برای برقراری تعامل بین انسان و فضا برخوردار بودند؛ اما امروزه بیشتر شهرهای قدیمی ایران در بافت‌های قدیمی و تاریخی خود دچار مشکلات فراوانی هستند که همین امر سبب عقب‌ماندگی و کاهش حس تعلق در آن‌ها شده است. تغییرات سریع در عصر مدرن و دگرگونی‌های ناشی از آن در سبک زندگی افراد، فرسایش کالبدی ساختمان‌ها، عدم تناسب میان نیازهای روزمره مردم و خدمات موجود در این پهنه‌ها، مداخلات بدون برنامه‌ریزی مدیران شهری و ... همه و همه صدمات جبران‌ناپذیری به این بافت‌ها وارد کرده‌اند. همین امر سبب شده که پهنه‌های واقع در این بافت‌ها از ساکنین اولیه خود خالی شده و مهاجرین از نقاط دیگر با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت جایگزین آن‌ها شده و در نتیجه حس تعلق در این پهنه‌ها کاهش یابد.

رشد و توسعه شهر کرمان، مانند اکثر شهرهای ایران تحت تأثیر موج مدرنیسم و تفکرات آن‌ها در تهیه طرح‌های توسعه، به یک‌باره دستخوش تغییرات زیادی شد و محلات شهری را دستخوش مشکلات متعدد از جمله منطبقه بندی نامناسب، سیستم‌های ناکارآمد خیابان‌ها، کیفیت پایین معماری، آلودگی‌های زیست‌محیطی، فاصله بین محل کار تا زندگی، عدم توجه به مقیاس انسانی و ... روبرو نموده که همین عوامل سبب افت کیفیت زندگی و در نتیجه کاهش حس تعلق شهروندان می‌شود. اندازه‌گیری کیفیت درک شده از محیط سکونت و تأثیر آن بر حس تعلق ساکنین، به‌عنوان ابزار کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی محلات شهری و تعیین میزان قابل زیست بودن آن‌ها ضروری است. این مهم باید به یکی از حوزه‌های مطالعات شهرهای ایران تبدیل شود تا بتوان گامی مؤثر در راستای ارتقا کیفیت زندگی فردی و اجتماعی در محلات برداشت. در این راستا پهنه‌های ارگ-گنجعلیخان، مظفری و قلعه محمود کرمان به دلیل داشتن عناصر تاریخی، مراکز گره‌گامی جمعیتی و همچنین ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی ساکنین به‌عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب شدند. این پهنه‌ها در شهر کرمان در بافت تاریخی و مرکزی شهر قرار دارند و در طول دوران تغییرات زیادی را در کالبد، زمینه و حتی ویژگی‌های اجتماعی خود شاهد بوده‌اند؛ بنابراین آنچه در این میان اهمیت دارد توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی هر محله با توجه به کالبد و محیط طبیعی آن می‌باشد تا شاید بتوان با افزایش توجهات به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی محلی در کنار عناصر کالبدی و محیطی، دل‌بستگی و حس تعلق به مکان را افزایش داد (Lewicka, 2014: 383).

هدف از این پژوهش تبیین اثر معیارهای کیفیت محیط سکونت بر حس تعلق در پهنه‌های تاریخی شهر کرمان می‌باشد تا بتوان مشخص کرد کدام‌یک از معیارهای مطرح‌شده باعث ایجاد معنای خاص برای ساکنین شده و با برنامه‌ریزی مناسب برای بهبود آن، حس تعلق و دل‌بستگی به مکان و به دنبال آن رضایتمندی ساکنان را افزایش داد. با توجه به ابعاد و معیارهای مطرح‌شده در زمینه حس تعلق و کیفیت محیط سکونت فرضیات مطرح‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. متغیرهای محیطی بر حس تعلق اثر دارند.
 ۲. متغیرهای کالبدی بر حس تعلق اثر دارند.
 ۳. متغیرهای محیطی بر حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی اثر یکسان دارند.
 ۴. متغیرهای کالبدی بر حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی اثر یکسان دارند.
 ۵. متغیرهای محیطی و متغیرهای کالبدی بر حس تعلق اثر یکسان دارند.
 ۶. مؤلفه‌های متغیرهای محیطی با حس تعلق رابطه دارند.
 ۷. مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی با حس تعلق رابطه دارند.
- نظریه تعلق مکانی به مطالعه مؤلفه‌های احساسی و عاطفی موجود در پیوند با مکان می‌پردازد به طوری که مفهوم حس تعلق، ایجاد پیوند عاطفی مثبت و معناداری بین فرد و مکان تعریف شده است (Stefaniak, Bilewicz & Lewicka, 2017:3). این پیوند حس فیزیکی بودن و احساس در مکان یا خانه بودن را پدید آورده (Yuksel, Yuksel & Bilim, 2010: 275) و حس اعتماد و امنیت را به فرد می‌دهد (Tsai, 2012: 141).
- حس تعلق دارای طیف وسیعی از بی‌مکانی تا تعلق و هم ذات‌پنداری شدید با مکان می‌باشد (Siavashpour et al, 2014: 6). حس تعلق مکانی ارتباط بین فرد و محیط اطراف اوست. در ایجاد فضاهای شهری برنامه‌ریزان و طراحان بیشتر بر کیفیت فیزیکی مکان توجه می‌کنند و جنبه‌های مفهومی و دل‌بستگی در روند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی مغفول می‌ماند (Ujang, 2015: 373). فضا با فرم‌های کالبدی، معنایی و فعالیت شکل می‌گیرد و در بین آن‌ها معنی تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری ابعاد روان‌شناسانه و اجتماعی در درک محیط دارد (Shao & LIU, 2017: 153). شناخت و ادراک فرد از مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان، جزء محیط‌های مطلوب است و افراد ادراک و شناخت بهتری از آن دارند. عوامل کالبدی همچون مشخص کردن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط است که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد (Forozandeh Javan & Matlabi, 2011: 33). بررسی نظریات مطرح‌شده نشان می‌دهد هنگامی یک فرد به موضوع تعلق پیدا می‌کند که از یک سو بتواند از طریق آن به نیازها و انتظارات خود پاسخ دهد و از سوی دیگر آن را با الگوهای ذهنی ساخته شده از "خود" ارزیابی نماید (Scannell & Gifford, 2010: 3).
- هویت (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983)، حس اجتماع و مشارکت (Pretty, Chipuer & Bramston, 2003)، سرمایه‌های اجتماعی (Coleman, 1988; Putnam, 2000; Lewicka, 2005; Sarracino & Mikucka, 2016)، ویژگی‌های تاریخی و نمادهای سمبولیک (Ram, Bjork & Weidenfeld 2016, Lynch, 1972)، تعاملات اجتماعی (Manzo & Perkins, 2006)، عوامل بسیار مهمی در ایجاد حس تعلق و دل‌بستگی در یک مکان می‌باشند. حس تعلق به مکان برای ساکنانش حس پایداری را فراهم می‌آورد (Shao & LIU, 2017: 153)، در حالی که نبود آن منجر به عواقب بسیار بد و وخیمی برای آن مکان می‌شود (Fried, 2000; Kleit & Manzo, 2006).
- طرح مسئله بهبود و ارتقای کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری، نمود گرایشی نوظهور در اوایل دهه ۱۹۶۰ در مواجهه با مسائل رشد و توسعه یک‌بعدی بود. این گرایش که به منظور پررنگ‌تر کردن جایگاه عوامل اجتماعی-اقتصادی در زندگی انسان‌ها نمایان شد، همراه با سایر مفاهیم نوین اجتماعی مانند رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و عدالت محیطی در قلمرو برنامه‌ریزی به‌طور اعم و برنامه‌ریزی شهری به‌طور ویژه مطرح گردید. این مفهوم به دلیل ماهیت چندبعدی و پیچیده‌ای که دارد از دیدگاه‌های متعددی بررسی شده است. کیفیت محیط شهری و به‌ویژه محیط مسکونی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر کیفیت زندگی مردم و میزان رضایت‌مندی آن‌ها از محیط است (Bonaiuto & Fornara, 2017: 267). کیفیت محیط را می‌توان به‌عنوان بخش اساسی از مفهوم گسترده‌تر کیفیت زندگی تعریف کرد (RIVM, 2002: 13). کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای متشکله یک ناحیه معین حاصل می‌شود؛ اما بیشتر از اشاره به جمع اجزای سازنده محیط، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد (Van Kamp et al, 2003: 9). کیفیت محیط شهری مفهومی واجد ارزش ذهنی از عینیت‌های محیط محسوب می‌شود. این ارزش به‌واسطه ارزش محیط شهری که دربرگیرنده ویژگی‌های اساسی نظیر رضایت‌مندی فردی از مسکن، محله و همسایگان از محیط اطراف است تعیین می‌شود. بدین ترتیب ارزش ذهنی کلی محیط شهری، معادل مجموع ارزیابی‌های صورت گرفته از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سازنده

کیفیت محیط است (Ibem & Aduwo, 2013:165). لنسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹ بیان کردند یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایتمندی را به جمعیتی که در آن ساکن هستند به واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند (Marans, 2012: 9). کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی هم چون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندان و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارد؛ به طوری که در بسیاری موارد به‌عنوان مفاهیم مشابه در نظر گرفته می‌شود (Van Kamp et al, 2003: 6). در نظر نگرفتن کیفیت محیط در طراحی محیط‌های مسکونی می‌تواند به مشکلات جدی منجر شود، مشکلاتی نظیر ایجاد محیط‌های مسکونی که قادر به فراهم آوردن آسایش، پاسخ به انتظارات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ساکنان نیست و در نتیجه نمی‌تواند رضایت ساکنانش را جلب نماید و تأثیری منفی بر تصویر ذهنی ساکنان از محیط مسکونی‌شان خواهد گذاشت (Mohit, Ibrahim & Rashid, 2010).

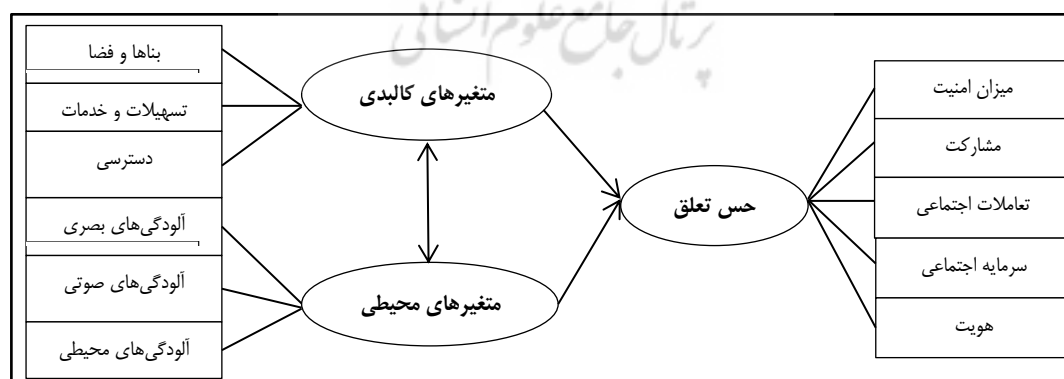
سنجش رضایتمندی به‌عنوان یکی از روش‌های کارآمد ارزیابی موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های شهری مطرح می‌شود و تحقیقات گسترده‌ای را با خود به همراه داشته است و از یک‌طرف معیاری برای ارزیابی رضایتمندی از محله و واحدهای همسایگی است (Wen & Feng, 2017; Kesalkheh & Dadashpoor, 2012) و از طرف دیگر ابزاری برای سنجش اینکه در حال حاضر کدام نوع مسکن و محیط سکونت نیازها، انتظارات و آرزوهای ساکنان خود را برطرف می‌کنند (Bonaiuto & Fornara, 2017; Mohit, Ibrahim, & Rashid, 2010). رضایتمندی سکونتی معادل میزان رضایت تجربه‌شده‌ی فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است. رضایت از محل سکونت را می‌توان معادل رضایتی که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک می‌کند، دانست (Behzadfar & Ghazizadeh, 2011:17). شاخص رضایتمندی سکونتی را می‌توان به‌عنوان یک پیش‌بینی کننده کلیدی در زمینه ادراک‌های فردی از شاخص جابجایی و همچنین معیار سنجش برای ارزیابی میزان موفقیت ساخت‌وسازهای انجام‌شده به وسیله بخش‌های عمومی و خصوصی و نیز ابزار سنجش ادراک‌های ساکنان نسبت به کفایت داشتن یا نداشتن وضعیت فعلی محیط سکونت خود به منظور بهبود شرایط سکونتی آن‌ها به کار برد (Chen et al, 2013:104). شهری که بستر زیست بشر می‌باشد و نقش اساسی در ایجاد احساس رضایتمندی داشته و در واقع شکل‌دهنده سبک زندگی انسان و تعیین‌کننده کیفیت زندگی شهروندان است (Smith & Levermore, 2008: 59).

با توجه به اینکه احساس رضایت از محیط سکونت باعث ارزیابی مثبت ساکنین و تحکیم و پایداری ارتباط آنان با محیط گشته و منتج به ایجاد حس تعلق می‌گردد، می‌توان گفت رضایتمندی سکونتی، نزدیک‌ترین ارتباط را با مفهوم حس تعلق داراست (Ge & Hokao, 2006; Jelinkova & Picek, 1984: 144; Giuliani & Feldman, 1993: 271) در همه نظریات مطرح‌شده، رضایتمندی از محیط به‌عنوان ضروری‌ترین عامل در ایجاد حس تعلق نام برده شده است و بیشترین رابطه را با حس تعلق داراست به طوری که حتی در برخی از مطالعات بین میزان رضایت از محیط‌های مسکونی و تعلق به آن تمایزی قائل نمی‌شوند (Fung & Lee, 2014: 191). همچنین مجموعه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کیفیت کالبدی و عملکردی مکان، به‌عنوان جایگاهی برای فعالیت‌ها و دادوستدهای اجتماعی، درجه‌ای از وابستگی و تعلق به مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ujang, 2012: 158).

جیانگ، فنگ و همکاران در پژوهشی جهت بررسی میزان رضایت و تمایل به جابجایی منزل در بلوک‌های تاریخی نوسازی شده در دو شهر گوانگژو و شانگهای چین با استفاده از معادلات ساختاری و تحلیل مسیر به این نتیجه رسیدند تمایل به ترک خانه تحت تأثیر عوامل فیزیکی و اجتماعی - جمعیتی است. ساکنانی که در نواحی مورد مطالعه خانه اجاره می‌کنند تمایل کمتری به ترک دارند و این در حالی است که افرادی که در این بلوک‌های تاریخی زندگی می‌کنند و در مراحل اولیه بازسازی هستند تمایل بیشتری به ترک محدوده دارند. از میان متغیرهای اجتماعی و جمعیت شناختی مختلف، سن، تأثیرگذارترین عامل بوده و نتایج نشان می‌دهد که ساکنان مسن، کمتر از جوانان تمایل به ترک و جابجایی محیط سکونت خود دارند که این امر ریشه در حس تعلق آن‌ها به مکانی که سالیان طولانی در آن زندگی کرده‌اند، دارد (Jiang & Fenga, 2017: 19-29). حبیب پور کوچکی و همکاران در پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر رضایتمندی ساکنان یوسف‌آباد در پارک شفق که در سال ۲۰۱۷ انجام شد عوامل مؤثر فیزیکی، طبیعی و روحی روانی و همچنین عوامل خدماتی مؤثر بر میزان رضایتمندی محیط سنجیده شد. براساس یافته‌های این پژوهش عوامل فیزیکی و روحی روانی بیشترین تأثیر را در افزایش میزان رضایت ساکنان و سرویس‌های خدماتی کمترین تأثیر را بر رضایت از محیط سکونت ساکنان محدوده مورد مطالعه داشته‌اند (Habibpour Kouchaki, Hosseini, Yazdanfar & Norouzian,

(Addo, 2016: 1-20). بوناایتو^۲ در پیش‌بینی شاخص‌های ادراکی دریافت کیفیت محیط مسکونی و حس تعلق در محیط شهری به شناسایی شاخص‌های کیفیت محیط و حس تعلق پرداخته و بیان می‌دارد که رضایتمندی از کیفیت محیط میزان تعلق ساکنین به محله‌شان را بیشتر می‌کند (Bonaiuto et al, 2003: 25-41). طلوع‌دل و همکاران در بررسی میزان رضایتمندی از مسکن بافت‌های جدید، واحدهای مسکونی مهر پردیس تهران را با معیارهای کالبدی ارزشیابی کرده و دریافتند میزان رضایتمندی ساکنان از مؤلفه‌های کالبدی نسبتاً در وضعیت مطلوبی قرار دارد ولی در رابطه با مؤلفه دید و منظر وضعیت مطلوب نبوده و نیاز به مکاشفه دقیق و ملزم کردن نکاتی در طراحی است که منجر به ارتقای کیفیت دید و منظر شود (Tolodel et al, 2017: 15). نتایج بررسی تأثیر عوامل کیفیت محیطی بر رضایتمندی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی در مشهد هم نشان داد مجموعه عوامل کیفیت محیطی (عملکردی، تجربی-زیباشناختی و زیست‌محیطی) بر میزان رضایتمندی ساکنان تأثیرگذار هستند (Abbaszadeh et al, 2017: 653). رضویان و همکاران در پژوهشی با عنوان "کیفیت محیط کالبدی و حس مکان مورد شناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران" به این نتیجه رسیدند که متغیر موقعیت دانشگاه در بین متغیرهای پانزده‌گانه مورد بررسی در پژوهش بیشترین تأثیر را بر حس مکان دانشجویان دارد و پس از آن عناصر محیط کالبدی مانند فضای مناسب پیاده‌روی و فضای سبز مشجر بالاترین رتبه را به خود در جهت افزایش حس مکان اختصاص دادند (Razaviyan, 2014: 87-94). بهرام پور و مدیری در پژوهشی با عنوان "مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران" به تبیین ارتباط بین معیارهای کیفیت محیط بر حس تعلق در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه پرداخته شد. حس تعلق با ارزیابی معیارهای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ملاقات با همسایگان، وجود خاطرات و مکان‌های ماندگار، فعالیت‌های گروهی و نحوه مشارکت در بهبود محیط زندگی تعیین شد و نتایج حاصله نشان داد که این شهرک از لحاظ کیفیت محیط و میزان حس تعلق در وضعیت خوب قرار دارد. همچنین تبیین ارتباط بین معیارهای کیفیت محیط و حس تعلق مشخص کرد که میزان رضایت از معیار مدیریت شهرک بیشترین تأثیر را بر افزایش رضایتمندی و به دنبال آن حس تعلق دارد (Bahrampour & Modiri, 2011: 85-94).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که بین شرایط محیطی و کالبدی و شکل‌گیری حس تعلق در شهرها ارتباط معناداری وجود دارد و حس تعلق وابسته به شرایط محیطی و کالبدی یک محدوده می‌باشد. لازم به ذکر است با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه رضایتمندی از محیط سکونت عاملی است که می‌تواند با پوشش جنبه‌های کالبدی و محیطی، ارزیابی‌کننده میزان حس تعلق ساکنین نیز باشد، زیرا میزان رضایت افراد از محیط زندگی‌شان، احساس نزدیکی و پیوند با محیط را به وجود می‌آورد و این ارتباط که به صورت قوی‌تر و پایدارتری شکل می‌گیرد، احساس تعلق ساکنین را افزایش می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

1. Addo
2. Bonaiuto

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی- توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی و از نوع علی- تطبیقی و مقایسه‌ای است. برای کمی کردن معیارهای پژوهش، درخت ارزش تشکیل و به صورت بالا به پایین طبقه‌بندی شد و در سطح آخر (۳۷ جزء شاخص) که قابلیت کمی کردن را داشتند، تعیین گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها، سه پرسش‌نامه بسته، بی‌نام، محقق ساخته و درجه‌بندی شده بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم و استفاده شد (به منظور جلب اعتماد پاسخ‌گو، در پرسش‌نامه از آوردن ابعاد و مؤلفه‌ها خودداری شد). برای اطمینان از روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها، از نظرات متخصصین و قیاس با پرسش‌نامه‌های پژوهش‌های معتبر موجود بهره گرفته شد. روایی سازه پرسش‌نامه‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی آزمون برای کل پرسش‌نامه متغیرهای کالبدی ۰/۸۹۰، برای کل پرسش‌نامه متغیرهای محیطی ۰/۹۲۵ و برای کل پرسش‌نامه حس تعلق ۰/۸۴۰ محاسبه شد و با توجه به مقادیر ضریب آلفای کرونباخ، استنباط شد که ابزار پژوهش از پایایی مطلوبی برخوردار است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از روش آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون‌های t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام ساکنان پهنه‌های ارگ-گنجعلی‌خان، مظفری و قلعه محمود در شهر کرمان می‌باشد. با توجه به اینکه از رویکرد معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، حجم نمونه ۱۰ برابر تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه در نظر گرفته شد (Westlan, 2010). به این ترتیب حجم نمونه ۳۷۰ نفر به دست آمد. با در نظر گرفتن احتمالات مربوط به غیرقابل استفاده بودن تعدادی از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده، در مجموع ۳۸۵ پرسش‌نامه در محدوده مورد نظر به صورت اتفاقی و در ساعت‌های مختلف روز توزیع شد که در نهایت ۳۷۴ پرسش‌نامه مبنای تحلیل‌های آماری قرار گرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی مربوط به مشخصات پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه نشان می‌دهد که از مجموع ۳۷۴ نفر نمونه مورد مطالعه، از لحاظ شرایط سنی بیشترین تعداد پاسخگویان در رده سنی ۴۰-۳۰ سال قرار داشتند. ۴۳/۶ درصد پاسخگویان را زنان و ۵۶/۴ درصد را مردان تشکیل داده‌اند و ۷۲/۲ درصد از پاسخگویان متأهل، ۱۹/۸ درصد مجرد و ۸/۰ درصد در سایر وضعیت‌های تأهل بودند. بیشترین فراوانی در رده تحصیلی دیپلم با ۳۷/۷ درصد و کمترین فراوانی در رده تحصیلی بالاتر از لیسانس با ۴/۰ درصد بوده است.

قلمر و جغرافیایی پژوهش

پهنه‌های مسکونی ارگ-گنجعلی‌خان، مظفری و قلعه محمود واقع در بافت تاریخی و منطقه یک شهرداری کرمان، ترکیبی از عناصر فرهنگی و هویتی و مراکز گره‌گامی جمعیتی را داراست. همین عامل اصلی‌ترین معیار انتخاب این پهنه‌ها با توجه به هدف افزایش حس تعلق و رضایتمندی از سکونت می‌باشد. در شکل (۲) موقعیت این پهنه‌ها در شهر کرمان نشان داده شده است. این پهنه‌ها در بافت تاریخی و مرکزی شهر کرمان و با محوریت بازار شکل گرفته‌اند و دارای بافتی مختلط از نظر اجتماعی، مشکلات کالبدی ناشی از مدرنیسم و نارسایی‌های محیطی به واسطه عوامل متعدد می‌باشند. جمعیت پهنه ارگ-گنجعلی‌خان ۲۶۷۵ نفر، شامل ۶۸۱ خانوار، جمعیت پهنه مظفری ۲۹۵ نفر، شامل ۸۹ خانوار و جمعیت پهنه قلعه محمود ۲۲۰۴ نفر، شامل ۵۱۶ خانوار می‌باشد.



شکل ۲. موقعیت بافت تاریخی و محدوده‌های مورد نظر در شهر کرمان

یافته‌ها و بحث

توصیف متغیرهای پژوهش

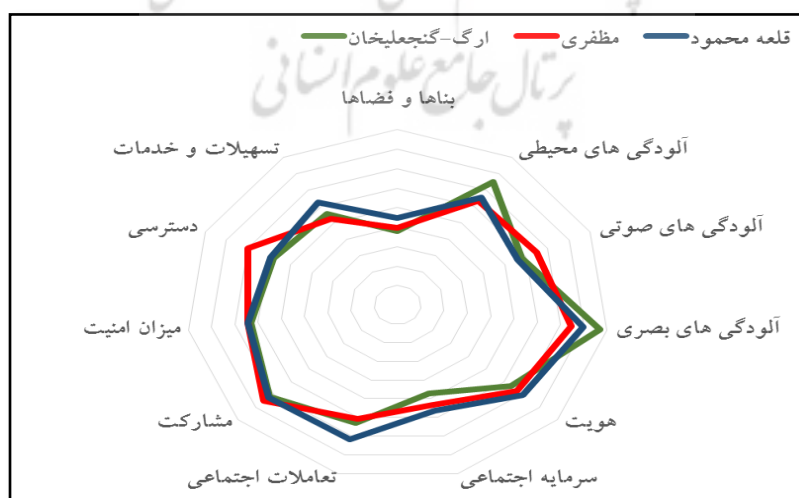
اطلاعات توصیفی متغیرهای کالبدی، محیطی و حس تعلق به تفکیک پهنه‌های مورد بررسی، شامل میانگین و انحراف معیار در جدول (۱) ارائه شده است. برای ارزیابی متغیرهای کالبدی، محیطی و حس تعلق در مناطق مورد بررسی، میانگین نظرات پاسخگویان به وسیله آزمون t با مقدار نظری ۳/۰۰ مقایسه شد. در متغیرهای کالبدی و حس تعلق چنانچه نمره متغیر در نظر گرفته شده بیشتر از مقدار نظری ۳/۰۰ باشد می‌توان گفت میزان رضایت از متغیر مورد بررسی، از دیدگاه پاسخگویان در سطح بالایی قرار گرفته است. در متغیرهای محیطی با توجه به اینکه مؤلفه‌های آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی و آلودگی‌های محیطی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین چنانچه نمره متغیر در نظر گرفته شده کمتر از مقدار نظری ۳/۰۰ باشد می‌توان گفت میزان رضایت از متغیر مورد بررسی، از دیدگاه پاسخگویان در سطح بالایی قرار گرفته است. در متغیرهای کالبدی و متغیرهای محیطی اکثر میانگین‌ها پایین‌تر از مقدار نظری قرار گرفته است و نشان‌دهنده نقاط ضعف و عدم رضایت پاسخ‌دهندگان در پهنه‌های مورد بررسی است و نیازمند توجه و بررسی کارشناسی جهت رفع موضوع مربوطه می‌باشد. در متغیر حس تعلق نیز مؤلفه سرمایه اجتماعی پایین‌تر از مقدار نظری قرار گرفته است و نشان‌دهنده نارضایتی پاسخگویان از این مؤلفه است. همچنین جهت بررسی تأثیر پهنه‌ها بر هر یک از متغیرهای مورد سنجش از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. طبق نتایج حاصل از این آزمون، سطح متغیرهای بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات، دسترسی، متغیرهای کالبدی، آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های محیطی، متغیرهای محیطی، تعاملات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت و حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی یکسان نیست ($p < 0.05$). سطح متغیرهای میزان امنیت و مشارکت در سه پهنه مورد بررسی یکسان است ($p > 0.05$). برای هر کدام از معیارها نمودار راداری رسم گردیده است (شکل ۳). نتایج حاصل بر روی این نمودار الگوهای خاصی از ضعف و قوت را در آن پهنه و نیز در مقایسه با سایر پهنه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای کالبدی، محیطی و حس تعلق

مؤلفه	پهنه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	p
بناها و فضاها	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۱/۹۰	۰/۷۰	۰/۰۰۲**
	مظفری	۱۲۵	۱/۹۷	۰/۷۵	
	قلعه محمود	۱۲۲	۲/۲۳	۰/۷۷	
	نمره کل	۳۷۴	۲/۰۳	۰/۷۵	
تسهیلات و خدمات	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۲/۷۸	۰/۷۱	۰/۰۰۱**
	مظفری	۱۲۵	۲/۶۲	۰/۵۸	
	قلعه محمود	۱۲۲	۳/۱۳*	۰/۶۰	
	نمره کل	۳۷۴	۲/۸۴	۰/۶۷	
دسترسی	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۲/۸۹	۰/۶۵	۰/۰۰۱**
	مظفری	۱۲۵	۳/۵۰**	۰/۸۲	
	قلعه محمود	۱۲۲	۲/۹۷	۰/۴۷	
	نمره کل	۳۷۴	۳/۱۲**	۰/۷۱	
متغیرهای کالبدی	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۲/۵۵	۰/۵۱	۰/۰۰۱**
	مظفری	۱۲۵	۲/۶۹	۰/۴۵	
	قلعه محمود	۱۲۲	۲/۸۰	۰/۴۶	
	نمره کل	۳۷۴	۲/۶۸	۰/۴۹	
آلودگی‌های بصری	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۴/۳۳	۰/۷۹	۰/۰۰۱**
	مظفری	۱۲۵	۳/۷۳	۱/۰۳	
	قلعه محمود	۱۲۲	۳/۹۹	۰/۸۷	
	نمره کل	۳۷۴	۴/۰۲	۰/۹۳	
آلودگی‌های صوتی	ارگ-گنجعلی‌خان	۱۲۷	۲/۸۹*	۰/۸۵	۰/۰۰۱**
	مظفری	۱۲۵	۳/۲۶	۰/۷۵	
	قلعه محمود	۱۲۲	۲/۸۱*	۰/۸۹	
	نمره کل	۳۷۴	۲/۹۹	۰/۸۵	

. / .۰۰۱**	۰/۸۲	۳/۷۶	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	آلودگی‌های محیطی
	۰/۸۹	۳/۱۸	۱۲۵	مظفری	
	۰/۷۸	۳/۲۸	۱۲۲	قلعه محمود	
. / .۰۰۱**	۰/۸۷	۳/۴۱	۳۷۴	نمره کل	متغیرهای محیطی
	۰/۵۱	۳/۵۸	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	
	۰/۵۱	۳/۳۵	۱۲۵	مظفری	
. / .۰۰۱**	۰/۵۵	۳/۲۸	۱۲۲	قلعه محمود	میزان امنیت
	۰/۵۴	۳/۴۰	۳۷۴	نمره کل	
	۰/۶۸	۳/۱۵**	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	
. / .۶۸۳	۰/۵۶	۳/۲۱**	۱۲۵	مظفری	مشارکت
	۰/۶۰	۳/۲۱**	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۶۱	۳/۱۹**	۳۷۴	نمره کل	
. / .۳۸۸	۰/۸۶	۳/۵۹**	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	تعاملات اجتماعی
	۱/۱۷	۳/۷۶**	۱۲۵	مظفری	
	۰/۷۹	۳/۶۲**	۱۲۲	قلعه محمود	
. / .۰۰۱**	۰/۹۶	۳/۶۶**	۳۷۴	نمره کل	سرمایه اجتماعی
	۰/۸۴	۳/۱۵**	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	
	۰/۶۷	۳/۰۴**	۱۲۵	مظفری	
. / .۰۰۱**	۰/۵۷	۳/۵۸**	۱۲۲	قلعه محمود	هویت
	۰/۷۴	۳/۲۶**	۳۷۴	نمره کل	
	۰/۷۸	۲/۳۶	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	
. / .۰۰۱**	۰/۸۱	۲/۶۶	۱۲۵	مظفری	حس تعلق
	۰/۷۴	۲/۸۳	۱۲۲	قلعه محمود	
	۰/۸۰	۲/۶۱	۳۷۴	نمره کل	
. / .۰۰۳**	۰/۸۵	۳/۱۹**	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	سرمایه اجتماعی
	۰/۷۷	۳/۳۶**	۱۲۵	مظفری	
	۰/۶۶	۳/۵۲**	۱۲۲	قلعه محمود	
. / .۰۰۱**	۰/۷۸	۳/۳۵**	۳۷۴	نمره کل	تعاملات اجتماعی
	۰/۴۳	۳/۰۷**	۱۲۷	ارگ-گنجعلی‌خان	
	۰/۴۳	۳/۱۸**	۱۲۵	مظفری	
. / .۰۰۱**	۰/۴۱	۳/۳۲**	۱۲۲	قلعه محمود	سرمایه اجتماعی
	۰/۴۴	۳/۱۹**	۳۷۴	نمره کل	
	۰/۴۴	۳/۱۹**	۳۷۴	نمره کل	

**معنی‌دار در سطح ۰/۰۱، *معنی‌دار در سطح ۰/۰۵



شکل ۳. مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش به تفکیک پهنه‌های مورد بررسی

نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری

در این بخش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش پرداخته شده است که نتایج آن در ادامه آمده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری از روش‌های جدید آماری و یکی از قوی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل چند متغیره است که امکان ارزیابی ارتباط بین متغیرهای مشاهده و پنهان، امکان تحلیل خطای تخمین متغیرهای مشاهده شده و پنهان، اصلاح مدل و انتخاب مناسب‌ترین مدل را فراهم می‌کند. هدف تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری این است که معین کند مدل نظری تا چه حد به وسیله داده‌های نمونه‌ای حمایت می‌شوند.

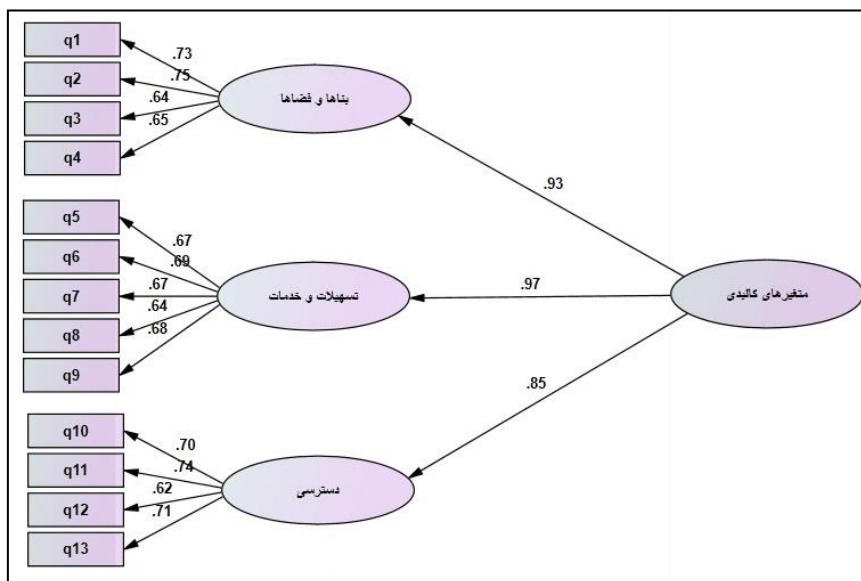
تکنیک معادلات ساختاری آمیزه دو تحلیل است: (۱) تحلیل عاملی تأییدی (مدل اندازه‌گیری) که رابطه بین متغیرهای پنهان و قابل‌اندازه‌گیری را مشخص می‌کند و (۲) تحلیل مسیر، تعمیم تحلیل رگرسیون (مدل ساختاری) که ارتباط بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند. مدل نهایی شامل هر دو بخش ساختاری و اندازه‌گیری مدل است. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه داراست. همچنین اگر بار عاملی یک شاخص منفی باشد، نشان‌دهنده تأثیر منفی آن شاخص در تبیین سازه مربوطه است. چنانچه بار عاملی شاخص بیشتر از $0/6$ باشد، به‌عنوان بار عاملی بالا (بدون توجه به علامت منفی یا مثبت) و چنانچه بیشتر از $0/3$ باشد به‌عنوان بارهای عاملی نسبتاً بالا در نظر گرفته می‌شوند. بارهای کمتر از $0/3$ را می‌توان نادیده گرفت.

زمانی که همبستگی متغیرها شناسایی گردید، باید آزمون معنی‌داری صورت گیرد. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t -value استفاده می‌شود. چون معنی‌داری در سطح خطای $0/05$ بررسی می‌شود، بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده شده با آزمون t از $1/96$ کمتر باشد، رابطه معنادار نیست.

نتایج برازش الگوی پرسش‌نامه متغیرهای کالبدی در شکل (۳)، پرسش‌نامه متغیرهای محیطی در شکل (۴) و پرسش‌نامه حس تعلق در شکل (۵) نشان داده شده است و با توجه به شاخص‌های ارائه شده در جداول (۲، ۳ و ۴) می‌توان گفت که الگوهای اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۲. شاخص‌های برازش الگوی متغیرهای کالبدی

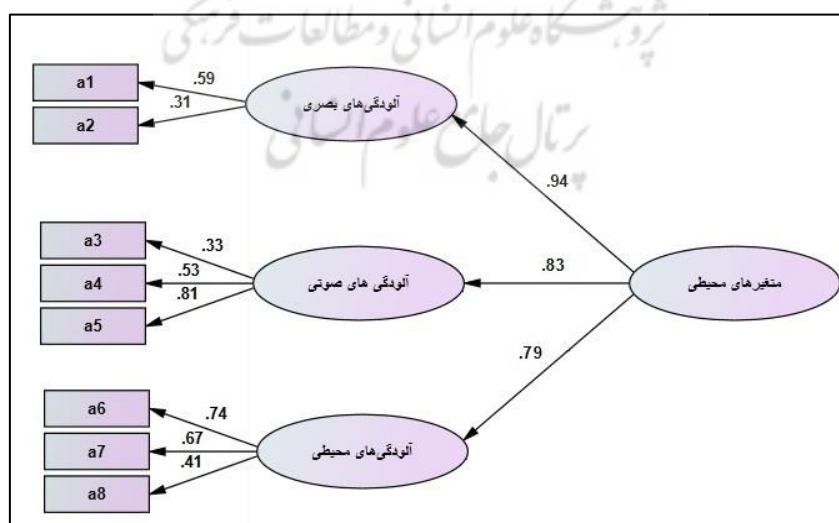
مقدار گزارش شده	حد قابل قبول	شاخص
۲/۹۶۵	برابر یا کوچک‌تر از ۳	کای اسکوتر بهنجار شده (CMIN/DF)
۰/۰۷۳	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
۰/۹۳۵	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۰۲	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)
۰/۹۱۲	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده (NFI)
۰/۹۴۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی (IFI)
۰/۹۲۲	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص تاکر-لوتیس (TLI)
۰/۹۴۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)



شکل ۴. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای کالبدی (بار عاملی استانداردشده)

جدول ۳. شاخص‌های برازش الگوی متغیرهای محیطی

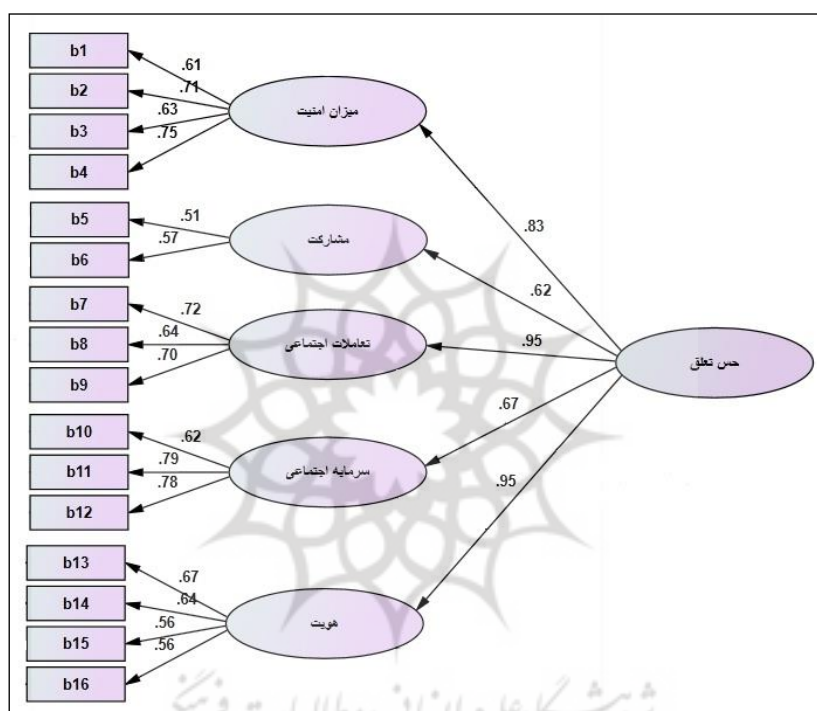
شاخص	حد قابل قبول	مقدار گزارش شده
کای اسکوتر بهنجار شده (CMIN/DF)	برابر یا کوچک‌تر از ۳	۱/۰۴۷
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۱۱
شاخص نیکویی برازش (GFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۸۹
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۷۵
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۷۸
شاخص برازش افزایشی (IFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۹۹
شاخص تاکر- لوئیس (TLI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۹۸
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۹۹



شکل ۵. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای محیطی (بار عاملی استانداردشده)

جدول ۴. شاخص‌های برازش الگوی حس تعلق

مقدار گزارش شده	حد قابل قبول	شاخص
۲/۲۴۳	برابر یا کوچک‌تر از ۳	کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF)
-/۰۷۷	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
-/۹۲۵	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
-/۸۸۹	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)
-/۹۳۰	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده (NFI)
-/۹۶۴	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی (IFI)
-/۹۳۲	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص تاکر- لوئیس (TLI)
-/۹۶۳	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی (CFI)



شکل ۶. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حس تعلق (بار عاملی استاندارد شده)

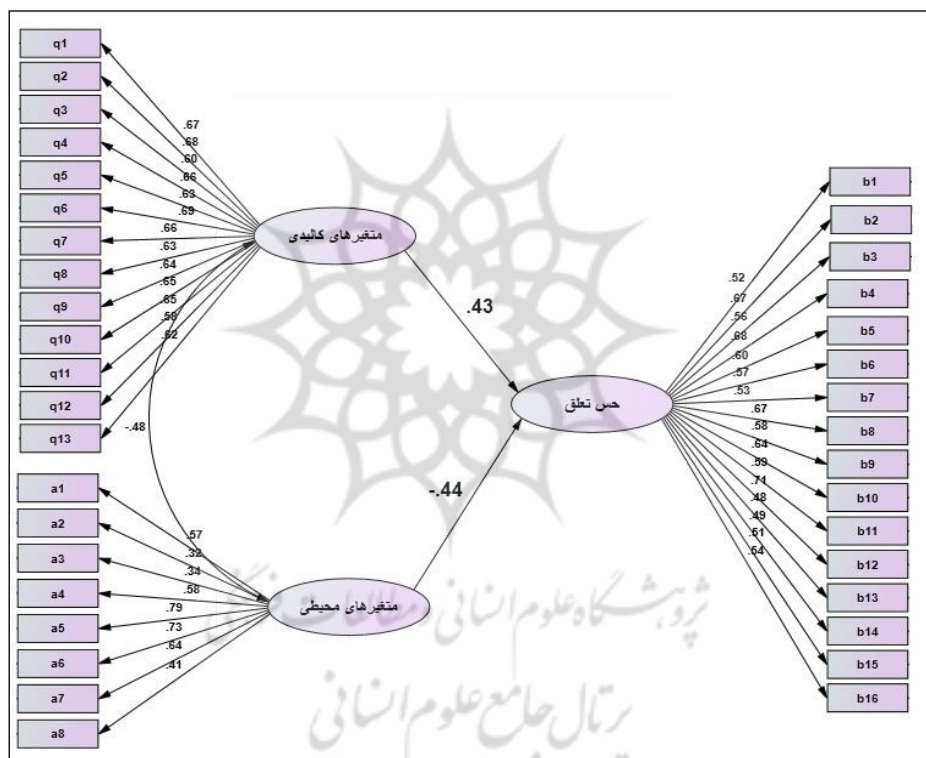
راه‌های متعددی برای برآورد نیکویی برازش الگو با داده‌های مشاهده شده وجود دارد که در این پژوهش برای ارزیابی نیکویی برازش الگو از معیارهای ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۱ (RMSEA)، کای اسکوئر بهنجار شده^۲ (CMIN/DF)، شاخص نیکویی برازش^۳ (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده^۴ (AGFI)، شاخص برازش تطبیقی^۵ (CFI)، شاخص برازش هنجار شده^۶ (NFI)، شاخص تاکر- لوئیس^۷ (TLI) و شاخص برازش افزایشی^۸ (IFI) استفاده شده است. خروجی نرم‌افزار، نشان‌دهنده مناسب بودن الگوی پیشنهادی پژوهش است، به طوری که مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با

1. Root Mean Squared Error of Approximation
2. Normed Chi-Square
3. Goodness of Fit Index
4. Adjusted Goodness of Fit Index
5. Comparative Fit Index
6. Normed Fit Index
7. Tucker-Lewis Index
8. Incremental Fit Index

(۰/۰۳۶) است، مقدار کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF) برابر با (۱/۹۶۷) است و مقدار شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با (۰/۹۵۹) است. سایر شاخص‌ها برای برازش الگوی پیشنهادی پژوهش در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی پژوهش

شاخص	حد قابل قبول	مقدار گزارش شده
کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF)	برابر یا کوچک‌تر از ۳	۱/۹۶۷
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	برابر یا کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۳۶
شاخص نیکویی برازش (GFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۵۹
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۲۴
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۲۷
شاخص برازش افزایشی (IFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۰۷
شاخص تاکر-لوییس (TLI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۲۷
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۰۴



شکل ۷. نتایج معادلات ساختاری برای بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش

طبق نتایج ارائه شده در جدول (۶)، متغیرهای کالبدی بر حس تعلق اثرگذار است. بدین معنی که با افزایش و بهبود متغیرهای کالبدی، حس تعلق در جامعه مورد مطالعه افزایش می‌یابد. همچنین متغیرهای محیطی نیز بر حس تعلق اثرگذار است. به طوری که با کاهش متغیرهای محیطی، حس تعلق در جامعه مورد مطالعه افزایش می‌یابد. با توجه به ضرایب مسیر در جدول (۷) می‌توان گفت شدت تأثیر متغیرهای محیطی بر حس تعلق بیش از متغیرهای کالبدی بوده است هر چند این تفاوت بسیار ناچیز است.

جدول ۶. ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی فرضیه پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

فرضیه	ضریب مسیر	T مقدار	P	نتیجه	نوع رابطه
متغیرهای کالبدی → حس تعلق	۰/۴۳۳	۶/۱۲۵**	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه	افزایشی
متغیرهای محیطی → حس تعلق	-۰/۴۳۸	-۵/۱۶۰**	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه	کاهشی

** مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنادار در سطح ۰/۰۵، مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۶۴ معنادار در سطح ۰/۱

برای بررسی فرضیه سوم و چهارم پژوهش از تحلیل گروه‌های چندگانه استفاده شده است. با توجه به نتیجه به دست آمده در جدول (۷) می‌توان مشاهده کرد در هر سه گروه مورد بررسی، متغیرهای کالبدی و محیطی بر حس تعلق اثر دارند. با توجه به ضرایب مسیر به دست آمده می‌توان گفت شدت اثر متغیرهای کالبدی بر حس تعلق، در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان بیشتر از پهنه‌های مظفری و قلعه محمود است. همچنین شدت اثر متغیرهای محیطی بر حس تعلق، در پهنه مظفری بیشتر از پهنه‌های ارگ-گنجعلی‌خان و قلعه محمود است. از طرفی در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان شدت اثر متغیرهای کالبدی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای محیطی است. در پهنه‌های مظفری و ارگ-گنجعلی‌خان شدت اثر متغیرهای محیطی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای کالبدی است.

جدول ۷. ضریب مسیر و معنی‌داری آن و بررسی فرضیه پژوهش در مدل تحلیل مسیر اصلی

پهنه	فرضیه	ضریب مسیر	T مقدار	P	نتیجه
ارگ-گنجعلی‌خان	متغیرهای کالبدی-حس تعلق	۰/۵۱۱	۴/۲۴۹**	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه
	متغیرهای محیطی-حس تعلق	-۰/۳۲۷	-۲/۳۵۶**	۰/۰۱۸	تأیید فرضیه
مظفری	متغیرهای کالبدی-حس تعلق	۰/۳۷۷	۲/۱۵۵**	۰/۰۰۴	تأیید فرضیه
	متغیرهای محیطی-حس تعلق	-۰/۵۳۶	-۲/۶۹۱**	۰/۰۰۷	تأیید فرضیه
قلعه محمود	متغیرهای کالبدی-حس تعلق	۰/۴۰۳	۳/۴۳۱**	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه
	متغیرهای محیطی-حس تعلق	-۰/۵۰۲	-۳/۶۷۸**	۰/۰۰۱	تأیید فرضیه

** مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنادار در سطح ۰/۰۵، مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۶۴ معنادار در سطح ۰/۱

جهت بررسی رابطه مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و محیطی بر حس تعلق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که در هر سه پهنه مورد میان مؤلفه‌های بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات و دسترسی و حس تعلق رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). این رابطه به صورت مستقیم (افزایشی) است. یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر افزایش کیفیت محیط سکونت و رضایتمندی در هر یک از پهنه‌های مورد بررسی است. با توجه به ضرایب همبستگی محاسبه شده و با توجه به شدت رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و حس تعلق می‌توان گفت در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات و دسترسی داشته‌اند. در پهنه مظفری با توجه به شدت رابطه بین متغیرها بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های بناها و فضاها، دسترسی و تسهیلات و خدمات و در پهنه قلعه محمود بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های دسترسی، تسهیلات و خدمات و بناها و فضاها داشته‌اند (جدول ۸)؛ بنابراین با بهبود عوامل تأثیرگذار کالبدی بر حس تعلق می‌توان کیفیت محیط و در نتیجه رضایتمندی ساکنان را افزایش داد.

جدول ۸. بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و حس تعلق

پهنه	متغیر	۱	۲	۳	۴
ارگ-گنجعلی‌خان (n=۱۲۷)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۵۶۳**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۵۶۲**	۰/۷۴۴**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۹۹**	۰/۷۰۴**	۰/۷۱۵**	۱
مظفری (n=۱۲۵)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۴۸۴**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۴۶۲**	۰/۷۴۲**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۴۷۰**	۰/۵۹۸**	۰/۶۶۹**	۱
قلعه محمود (n=۱۲۲)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۴۸۷**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۵۲۲**	۰/۶۹۰**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۵۵۶**	۰/۵۷۳**	۰/۵۸۸**	۱
کل (n=۳۷۴)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. بناها و فضاها	۰/۵۰۹**	۱		
	۳. تسهیلات و خدمات	۰/۵۱۴**	۰/۷۲۹**	۱	
	۴. دسترسی	۰/۵۰۶**	۰/۶۲۹**	۰/۶۶۳**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار ($P < 0/05$)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار ($P < 0/01$)

نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد در هر سه پهنه مورد بررسی بین آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی و آلودگی‌های محیطی با حس تعلق رابطه معنی‌دار وجود دارد ($P < 0.05$). این رابطه به صورت معکوس (کاهش) است. در رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و حس تعلق می‌توان گفت در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های بصری و آلودگی‌های محیطی داشته‌اند. در پهنه مظفری با توجه به شدت رابطه بین متغیرهای پژوهش بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های بصری و آلودگی‌های محیطی و در پهنه قلعه محمود بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های محیطی و آلودگی‌های بصری داشته‌اند (جدول ۹)؛ بنابراین با توجه بیشتر بر عوامل محیطی تأثیرگذار بر حس تعلق در پهنه‌های مورد بررسی که مهم‌ترین آن‌ها آلودگی‌های صوتی بوده‌اند می‌توان کیفیت محیط و رضایتمندی ساکنان را افزایش داد.

جدول ۹. بررسی رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و حس تعلق

پهنه	متغیر	۱	۲	۳	۴
ارگ-گنجعلی‌خان (n=127)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۴۳۰**	۱		
	۳. آلودگی‌های صوتی	-۰/۵۱۴**	۰/۳۵۴**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۴۰۹*	۰/۳۳۰**	۰/۶۵۰**	۱
مظفری (n=125)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۴۷۵**	۱		
	۳. آلودگی‌های صوتی	-۰/۵۹۲**	۰/۵۲۸**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۳۱۹*	۰/۴۹۵**	۰/۵۳۵**	۱
قلعه محمود (n=122)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۳۳۴**	۱		
	۳. آلودگی‌های صوتی	-۰/۶۳۵**	۰/۴۶۳**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۴۹۴**	۰/۳۳۹**	۰/۵۵۴**	۱
کل (n=374)	۱. حس تعلق	۱			
	۲. آلودگی‌های بصری	-۰/۴۱۸**	۱		
	۳. آلودگی‌های صوتی	-۰/۵۶۷**	۰/۴۴۱**	۱	
	۴. آلودگی‌های محیطی	-۰/۳۹۶**	۰/۳۷۹**	۰/۵۸۰**	۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار ($P < 0.05$)، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار ($P < 0.01$)

نتیجه گیری

حس تعلق و حضور مردم در محلات از جمله مهم‌ترین مواردی است که امروز در ارزیابی محلات موفق مورد بحث قرار می‌گیرد. تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی محیط‌های سکونتی به واسطه روش‌های کمی و مدل‌های تجربی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت محیط به کار می‌رود. در این میان حس تعلق می‌تواند نقش مؤثری در افزایش و یا کاهش میزان رضایتمندی از محیط بازی کند. به عبارتی با در نظر گرفتن نقش متغیرهای محیطی و کالبدی بر حس تعلق می‌توان از آن‌ها در جهت افزایش رضایتمندی از محیط و همچنین کیفیت محیط سکونت بهره برد.

در پهنه‌های مورد بررسی در بافت تاریخی شهر کرمان طبق نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه، سطح متغیرهای بناها و فضاها، تسهیلات و خدمات، دسترسی، متغیرهای کالبدی، آلودگی‌های بصری، آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های محیطی، متغیرهای محیطی، تعاملات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت و حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی یکسان نیست. سطح متغیرهای میزان امنیت و مشارکت در معیار حس تعلق در هر سه پهنه مورد بررسی یکسان می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از معادلات ساختاری آزمون فرضیه اول (متغیرهای محیطی بر حس تعلق تأثیر دارند) مورد قبول واقع شده و در هر سه پهنه متغیرهای محیطی بر حس تعلق و در نتیجه میزان رضایت از محیط سکونت تأثیر دارند. نتایج به دست آمده مشابه و در راستای پژوهش عباس‌زاده و عسکری رابری (۱۳۹۵) در شهر مشهد می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (متغیرهای کالبدی بر حس تعلق تأثیر دارند) بنا بر نتایج معادلات ساختاری و در هر سه پهنه متغیرهای کالبدی بر حس تعلق و در نتیجه میزان رضایت از محیط سکونت تأثیر دارند. همچنین نتایج این فرضیه با نتایج حاصل از تحقیقات طلوع دل و همکاران (۱۳۹۶) و رضوانیان و همکاران (۱۳۹۳) که متغیرهای کالبدی را مؤثر در حس تعلق و رضایتمندی از کیفیت محیط مؤثر می‌دانند، مطابقت دارد. در نتیجه فرضیه مطرح‌شده مورد تأیید قرار می‌گیرد. فرضیه سوم (متغیرهای محیطی بر حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی تأثیر یکسان دارند)، مورد تأیید قرار نگرفت زیرا با توجه به معادلات ساختاری در پهنه‌های مظفری و قلعه محمود شدت اثر متغیرهای محیطی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای کالبدی بود؛ بنابراین می‌توان با بهبود شرایط محیطی و به‌ویژه کاهش آلودگی‌های بصری میزان رضایتمندی از محیط سکونت را افزایش داد. فرضیه چهارم (متغیرهای کالبدی بر حس تعلق در سه پهنه مورد بررسی تأثیر یکسان دارند)، مورد تأیید قرار نگرفت زیرا با توجه به معادلات ساختاری در پهنه ارگ-گنجعلی‌خان شدت اثر متغیرهای کالبدی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای محیطی بود. نتایج حاصله در این فرضیه با پژوهش مدیری و بهرام‌پور در سال ۱۳۹۰ در یک راستا است که نقش عوامل کالبدی را در افزایش حس تعلق و رضایت مؤثرتر می‌داند. فرضیه پنجم (متغیرهای محیطی و متغیرهای کالبدی بر حس تعلق تأثیر یکسان دارند)، مورد تأیید قرار نگرفت زیرا با توجه به معادلات ساختاری اثر متغیرهای محیطی بر حس تعلق بیشتر از متغیرهای کالبدی بود. نتایج این فرضیه با نتایج حاصل از تحقیقات طلوع دل و همکاران (۱۳۹۶) که متغیرهای کالبدی را مؤثر در حس تعلق و رضایتمندی از کیفیت محیط مؤثر می‌دانند، مطابقت ندارد. آنچه مسلم است، بستر اجتماعی و فرهنگی در پهنه‌های مورد بررسی، تأثیر غیرقابل اغماضی در نتایج و یافته‌های پژوهش دارد و با توجه به ویژگی‌های هر پهنه این موضوع به یک‌شکل بروز خواهد کرد. در فرضیه ششم (مؤلفه‌های متغیرهای محیطی با حس تعلق رابطه دارند)، با توجه به ضرایب همبستگی محاسبه شده و شدت رابطه بین مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی و حس تعلق در پهنه‌های مورد بررسی، بیشترین رابطه را با حس تعلق به ترتیب مؤلفه‌های تسهیلات و خدمات، دسترسی و بناها و فضاها داشته‌اند. لذا با بهبود شرایط فیزیکی بناها و فضاهای درون محله‌ای و نیز تقویت خدمات و دسترسی آن‌ها می‌توان حس تعلق را بالاتر برده و در نتیجه کیفیت محیط سکونت را ارتقا داد. در فرضیه هفتم (مؤلفه‌های متغیرهای کالبدی با حس تعلق رابطه دارند) در رابطه با مؤلفه‌های متغیرهای محیطی و حس تعلق نیز می‌توان گفت به ترتیب مؤلفه‌های آلودگی‌های صوتی، آلودگی‌های بصری و آلودگی‌های محیطی بیشترین رابطه را با حس تعلق داشته‌اند.

در نهایت باید گفت با بهبود شرایط کالبدی و محیطی در پهنه‌های مورد بررسی می‌توان حس تعلق را در افزایش داد و در نتیجه با افزایش حس تعلق کیفیت محیط سکونت ارتقا می‌یابد. این موضوع با نتایج تحقیقات بونایتو در سال ۲۰۰۳ در یک راستا است و مؤید یافته‌های ایشان است. نکته آخر اینکه، شناسایی عوامل مؤثر در حس تعلق و میزان رضایت و ناراضایتی سکونتی ساکنان، می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود سکونتی، تصمیمات آینده به منظور ارتقاء سطح کیفی محدوده‌های سکونتی افراد و جلوگیری از تکرار نواقص در سایر مکان‌ها مؤثر واقع گردد. البته لازم به ذکر است نتایج حاصله از این پژوهش را نمی‌توان به پهنه‌های دیگری تعمیم داد. مطالعه و بررسی این موضوع در سایر پهنه‌های نیازمند برداشت میدانی و توزیع پرسش‌نامه در محیط می‌باشد؛ زیرا در پهنه‌های مورد بررسی نیز تأثیر متغیرهای محیطی و کالبدی در حس تعلق و در نتیجه رضایتمندی متفاوت بوده و هر محله نیازمند رویکرد خاص و متفاوت خود می‌باشد.

در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان با برنامه‌ریزی و اقدام صحیح و مؤثر در حوزه هر یک از متغیرهای سه‌گانه مورد بررسی و با در نظر گرفتن نقش متغیرهای تأثیرگذار محیطی و کالبدی بر حس تعلق می‌توان از آن‌ها در جهت افزایش رضایتمندی از محیط و همچنین کیفیت محیط سکونت بهره برد. سیاست‌هایی مانند استفاده از تندیس‌ها و نمادهای مرتبط با ویژگی‌های فرهنگی مردم در فضاهای موجود به منظور هویت زایی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و پرورشی برای ساکنین، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی-هنری، استفاده از روشنایی مناسب درفضاهای باز محله‌ای و میدانی اجتماعی جهت تأمین امنیت بیشتر، ارتقای سطح ایمنی سواره و پیاده، جلب مشارکت ساکنین در تصمیم‌گیری، مدیریت و تأمین منابع مالی پایدار برای معاصر سازی بناهای واجد ارزش جهت استفاده‌های فرهنگی و اجتماعی، ارائه گزارش فعالیت‌های انجام‌شده به ساکنین محله و استفاده از نظریات آن‌ها و دخالت دادن آن‌ها در روند تصمیم‌سازی (که یکی از سیاست‌های مؤثر در افزایش شناخت همسایگان از یکدیگر و افزایش همبستگی اجتماعی می‌باشد)، تأثیر مثبتی در جهت افزایش حس تعلق خواهند داشت و می‌توان در جهت سرزندگی و پایداری محلات مورد بحث از آن‌ها یاری جست.

References

- Abbaszadeh, Sh., Gohari, F., & Askari Rabori, A. (2017). Analysis of Environmental Quality towards Satisfaction of Users in Mashhad Housing Complexes. *Geographical urban planning research*, 4(4), 26-31. (In Persian)
- Abdul Mohit, M., Ibrahim, M., & Razidah Rashid, Y. (2010). Assessment of residential satisfaction in newly designed public lowcost housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Journal Habitat International*, 34, 18-27.
- Addo, Irene Appeaning. (2016). Assessing residential satisfaction among low income households in multi-habited dwellings in selected low income communities in Accra. *Urban Studies Journal*, 53, 1-20.
- Ayashm, M., & Mirgholami, M. (2016). A conceptual model to evaluate the sense of place using four factors of perceptual, physical, social and functional (the Case study of Imam Street in Urmia, Iran). *Urban studies*, 5(19), 69-80. (In Persian)
- Bahrampour, A., & Modiri, A. (2015). Study of Relationship Between Residents Satisfaction from Living Environment and their Attachment Sense In Kowsar High-Rise Residential Complex. *Honar_ha_ye ziba*, 3(20), 85-94. (In Persian)
- Behzadfar, M., & Ghazizdeh, N. (2011). Residential Open Space Satisfaction Case studied: selected residential complexes in Tehran. *Honar_ha_ye ziba*, 3(45), 15-24. (In Persian)
- Bonaiuto, M., & Fornara, F. (2017). Residential Satisfaction and Perceived Urban Quality, *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology*, Elsevier PP. 1-5.
- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Mirilia, B. (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 41-52.
- Chen, L., Zhang, W., Yang, Y., & Yu, J., (2013). Disparities in residential environment and satisfaction among Urban residents in Dalian, China, *Habitat International*, 40, 100-108.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Forozandeh Javan, A., & Matlabi, Gh. (2011). The sense of belonging to the place and its constituent factors. *Hoviyat shahr*, 5(8), 3-27. (In Persian)
- Fung, Y.W., & Lee, W.L. (2014). Development of price models for architectural and environmental quality for residential developments in Hong Kong. *Habitat International*, 44, 186-193.
- Ge, J., & Hokao K. (2006). Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Landscape Urban Plan*, 78(3), 165-178.
- Ghashghaee, R., Movahed, Kh., & Mohammadzadeh, H. (2016). Evaluation of sense of place with an emphasis on physical and environmental factors in urban coastal areas (Case study: Boushehr Town). *Geographical urban planning research*, 4(2), 24-26. (In Persian)
- Habibpour Kouchaki, N., Hosseini, B., Yazdanfar, A., & Norouziyan-Maleki, S. (2017). An Investigation of the Effective Factors on Yusef Abad Residents' Satisfaction in Shafagh Park. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 10(18), 47-57. (In Persian)
- Ibem, E., & Aduwo, E. (2013). Assessment of residential satisfaction in Public housing in Ogun State, Nigeria. *Habitat International*, 40, 163-175.
- Jiang, W., Fenga, T., Timmermans, H., & Li, H. (2017). A gap-theoretical path model of residential satisfaction and intention to move house applied to renovated historical blocks in two Chinese cities. *Cities*, 71, 19-29.
- Kesalkheh, S., & Dadashpoor, H. (2012). Assessment Residential Environmental Quality of Traditional and New Neighborhoods, in a Rapid Grown City, Tehran, New and Traditional Residential Environments, ISOCARP Congress 2012.
- Kleit, R. G., & Manzo, L. (2006). to move or not to move: Relationships to place and relocation choices in HOPE VI. *Housing Policy Debate, Taylor & Francis Journals*, 17(2), 271-308.

- Lashkari, E., Rafieyan, M., & Andalib, A. (2017). Effective Factors on Quality of Urban Public Realms in Mashhad. *Urban Management*, 15(45), 449-464. (In Persian)
- Lewicka, M. (2005). Ways to make people active: The role of place attachment, cultural capital, and neighborhood ties. *Journal of Environmental Psychology*, 25(4), 381-395.
- Lynch, K. (1972). *What time is this place?* Cambridge: M.I.T. Press.
- Marans, R. W. (2012). Quality of Urban Life Studies: An Overview and Implications for Environment-Behaviour Research, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 35, 9-22.
- Lynne C., Manzo, D., Perkins, D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 335-350.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3(1), 57-83.
- Pretty, G. H., Chipuer, H. M., & Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. *Journal of Environmental Psychology*, 23(3), 273-287.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Touchstone Books by Simon & Schuster; 1st Edition, 544 pages
- Ram, Y., Bjork, P., & Weidenfeld, A. (2016). Authenticity and place attachment of major visitor attractions. *Tourism Management*, 52, 110-122.
- Razaviyan, M.T, Shamspourya, M.K., & Molatabarlahi, A. (2014). The Quality of Physical Environment and Sense of Place Case Study: ShahidBeheshti University Students. *Geography and Territorial spatial Arengment*, 4(10), 87-96. (In Persian)
- RIVM. (2002). the morbidity of asthma and chronic obstructive pulmonary disease in the nether elands. *workshop livability repport 260855001*, p. 13.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1-10.
- Shabani, M. (2016). The Impact of Social Indicators on the Resident Satisfaction in Central Region of Paris. *Honar va tamadon Sharg*, 4(12), 51-60. (In Persian)
- Smith, C., & Levermore, G. (2008). Designing Urban Spaces and Buildings to Improve Sustainability and quality of Life in a Warmer World. *Energy Policy*, 36(12), 4558-4562.
- Shao, Y., & LIU, B. (2017). Place Attachment Assessment System in Contemporary Urbanism. *Procedia Engineering*, 198(2017), 152-168.
- Stefaniak, A., Bilewicz, M., & Lewicka, M. (2017). The merits of teaching local history: Increased place attachment enhances civic engagement and social trust. *Journal of Environmental Psychology*, 51, 217-225.
- Sarracino, F., & Mikucka, M. (2016). Social Capital in Europe from 1990 to 2012: Trends and Convergence. *Social Indicators Research*, 131, 407-432.
- Siavashpour, B., Shadlo Jahromi, M., & Moiee Ramsheh, Z. (2014). The dimensions of the sense of belonging to the place, with emphasis on physical, social and emotional factors (perception and recognition). Sixth National Conference on Urban Planning and Management with emphasis on the components of Islamic city. (In Persian)
- Tolodel, M. S., Porbagher, S., & Mahdvi, L. (2017). Assesment of Resident Satisfaction on Mehr Housing Complex in Tehran, Based on Physical and Landscape Criteria. *Iranian Architecture and urbanism*, 8(13), 15-21. (In Persian)
- Tsai, S. P. (2012). Place attachment and tourism marketing: investigating international tourists in Singapore. *International Journal of Tourism Research*, 14(2), 139-152.
- Ujang, N. (2015). Place attachment and the value of place in the Life of the Users. *Social and Behavioral Sciences*, 168, 373-380.
- Ujang, N. (2012). Place attachment and continuity of urban place identity. *Social and Behavioral Sciences*, 49, 156-167.

- Van Kamp I., Leidelmeijer K., Marsman G., & de Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being towards a conceptual framework and demarcation of concepts: A literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 5-18.
- Yuksel, A., Yuksel, F., & Bilim, Y. (2010). Destination Attachment: effects on customer satisfaction and cognitive, affective and conative loyalty. *Tourism Management*, 31(2), 274-284.

**How to cite this article:**

Mohammadi, H., Ghorbi, M. (2020). Assessments of sense of belong in historic area with emphasize on environmental and physical variables (Case study: Arg- Ganjalikhan, Mozafari and Ghaleh Mahmood's areas in Kerman city). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 15(2), 333-352.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672849.html

Assessments of sense of belong in historic area with emphasize on environmental and physical variables (Case study: Arg- Ganjalikhan, Mozafari and Ghaleh Mahmood's areas in Kerman city)

Mohammadi Hamid

Assistant Professor in urban planning, Faculty of Art and Architecture, University of Yazd, Yazd, Iran

Ghorbi Mitra*

M.A in urban planning, University of Payame Noor, Iran

Received: 21 January 2018

Accepted: 20 February 2020

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Nowadays the concept of place and sense of place are of the important issues that the contemporary urban development is facing with. In the past cities used to have the high potential of providing interaction between man and space; but today despite of high potentials and advantages in most of historic areas, undesirable environmental and physical quality causes weakening of social ties among the inhabitants which lead to lower sustainable interactions, absence of participation, lower sense of belonging and gradual decline of these areas.

This issue motivated the authors to clarify the relationship between criteria of environment's quality (environmental and physical) on sense of belonging in historic neighborhoods of the city of Kerman. To this end, various approaches of environment's quality, criteria of environmental quality and sense of belonging's related theories have been investigated. The aim of this research is to clarify relationship between the criteria of residents environment's quality and the level of sense of belonging in the historic neighborhoods of Kerman in order to specify which presented factor make special meaning for the inhabitants and therefore regarding proper planning for improving it, sense of belonging and place attachment and consequently inhabitants satisfaction can be increased.

Methodology

In this applied research, descriptive method was used for research background, literature review, defining research field and specifically for describing satisfaction condition and sense of belonging of the inhabitants in the case studies. Causal-Comparative method was used for evaluation of sense of belonging and residence satisfaction in Mozafari, Arg-Ganjalikhan and Ghaleh Mahmood areas located in the historic part of Kerman. Value tree was used for quantifying the research criteria which classified from top to bottom. In the lowest level, 37 indicators which were quantifiable were determined. Questionnaire was the main data collection method, and 374 questionnaires were distributed and analyzed by SPSS and AMOS.

The results of the research show a direct and meaningful relationship between the physical variables and sense of belonging but reverse and meaningful relationship between environmental variables and sense of belonging.

Results and Discussion

Based on the results of one-way analysis of variance in the studied neighborhoods in the historic context of Kerman, the level of environmental variables such as Visual pollution, sound

*Corresponding Author:

Email: Mitraghorbi@gmail.com

pollution, environmental pollution, physical variables such as the buildings and spaces, facilities and services, accessibility, the variables of sense of belonging such as social interactions, social capital and identity are not the same in the three studied areas.

The level of the variables of safety and participation in the sense of belonging criteria were the same in all three studied areas. In attention to components of physical variables and sense of belonging, in Arg-Ganjlikhan and Mozafari areas buildings and spaces has the highest effect over sense of belonging. However, in GhalehMahmood area it was accessibility. Regarding the components environmental variables and sense of belonging, it is notable that sound pollutions in Arg-Ganjlikhan, Mozafari and GhalehMahmood areas has the highest influence on the sense of belonging. The results of structural equations modeling also demonstrate that improving the condition of environmental and physical variables can improve the condition of sense of belonging as well. However, the influence of environmental variables on the sense of belonging was higher comparing to physical ones.

Conclusion

Identifying effective factors on sense of belonging and satisfaction level of inhabitants can be useful for analyzing existing inhabiting condition, future decisions regarding enhancing quality level of individuals' inhabiting areas and can be useful for preventing from repeating the same faults in the other areas. The clear fact is that the social and cultural context in the studied areas has undeniable effects on the results and findings of this research and this issue have distinct manifestations regarding the different characters of each area. Studying and investigating this issue in other neighborhoods Needs its own field studies and distributing of questionnaires in the area; because the effect of environmental and physical variables on sense of belonging and consequently on satisfaction level of inhabitants were not the same in the studied areas and different areas need different approaches.

Keywords: Sense of belong, Physical and environmental variables, Satisfaction, Historic areas of Kerman, Structural equations modeling